

انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۲

رضا خلیلی*

چکیده

با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و روی کار آمدن دولت یازدهم، چشم انداز جدیدی پیش روی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در جهت حل و فصل مسئله هسته‌ای اش قرار گرفته که در این مقاله به بررسی آن می‌پردازیم. گرچه دیدگاه کارشناسان و ناظران داخلی و بین‌المللی در این زمینه متفاوت است و هر دو رویکرد خوش‌بینانه و بدبینانه را در این زمینه می‌توان شاهد بود، اما استدلال نویسنده این است که انتخاب آقای روحانی به ریاست جمهوری ایران باعث تقویت زمینه‌های تعامل و در نتیجه افزایش امکان حل و فصل مسأله‌آمیز پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است. مقاله با مروری روشمند بر دیدگاه‌های نظری و با مقایسه مواضع کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲، به دنبال تحلیل و تبیین افق‌های جدید پیش روی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با محیط بین‌المللی بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای است.

کلیدواژه‌ها: انتخابات ریاست جمهوری، برنامه هسته‌ای، امنیت ملی، سیاست خارجی.

Email: Rezakhalili1@khu.ac.ir

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هفدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۳ • شماره مسلسل ۶۳

مقدمه

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران از زوایای مختلف مورد توجه بسیاری از ناظران و کارشناسان داخلی و خارجی قرار گرفته و در این بین توجه بیشتر تحلیل‌گران سیاسی و امنیتی معطوف به تأثیر برنامه هسته‌ای بر انتخابات از یک سو و تأثیر انتخابات بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر بوده است. در واقع، با توجه به اهمیت موضوع هسته‌ای و به ویژه به دلیل حضور دو کاندیدا که هر یک با رویکردی متفاوت برای مدتی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی عهده‌دار مسئولیت مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای جمهوری اسلامی بوده‌اند، انتخابات به عرصه رقابت این دو رویکرد و معیاری برای ارزیابی توانایی کاندیداها در حل و فصل مطلوب‌تر موضوع تلقی شد.

گمانه‌زنی در مورد تأثیر متقابل برنامه هسته‌ای و انتخابات ریاست جمهوری، از مدت‌ها قبل از ۲۴ خرداد از سوی تحلیل‌گران داخلی و خارجی آغاز شد و به ویژه، با قطعی شدن حضور آقای روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای پیشین جمهوری اسلامی ایران از یک سو و آقای جلیلی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای وقت جمهوری اسلامی ایران، از سوی دیگر، وارد مرحله‌ای جدید شد. با ورود این دو کاندیدا به عرصه انتخابات ریاست جمهوری طبعاً موضوع هسته‌ای و پیامدهای آن به عنوان مهم‌ترین مسئله در معرض انتخاب مردم گذاشته شد و حتی به دیگر مسائل و موضوعات جاری کشور نیز از همین زاویه نگریسته شد.

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران بیش از آنکه عرصه رقابت و رویارویی کاندیداها را مطرح و یا حتی جناح‌های اصلی حاکم باشد، عرصه رقابت و مجالی برای ارزیابی دو رویکرد متفاوت به حل و فصل برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. به عبارت دیگر، در این انتخابات شکاف اصلاح‌طلب- اصول‌گرا در حاشیه شکاف دو رویکرد تعامل سازنده- مقاومت در برنامه هسته‌ای قرار گرفت و شاید به همین دلیل هم بود که کاندیداها را اصلی دو جناح از اقبال کمتری برخوردار شدند. توجه دقیق‌تر به دلایل انصراف آقای عارف به عنوان کاندیدای اصلی جناح اصلاح‌طلب و همچنین اقبال کم به آقای قالیباف به عنوان کاندیدای اصلی جناح اصول‌گرا را در حقیقت می‌توان ناشی از اهمیت مضاعف

موضوع هسته‌ای و حاشیه‌ای شدن شکاف بین دو جناح و همچنین نتیجه ارتقای رقابت از سطح جناحی به سطح ملی تلقی کرد. به عبارت دیگر، در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم مردم فراتر از رقابت جناحی وارد عرصه شدند و به رویکردی رأی دادند که به زعم آنان باعث ارتقای قدرت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه رویارویی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. این سبک از رفتار رأی‌دهی که شاید برای اولین بار توسط مردم ایران بروز یافت و جای توجه و تحلیل بسیار دارد، نتایج و پیامدهای بسیاری داشت و باعث ایجاد تقویت دیدگاه‌هایی شد که بیانگر تحول جدی و بنیادین در تعامل جمهوری اسلامی ایران با محیط منطقه‌ای و بین‌المللی خود است.

با توجه به اهمیت موضوع، نویسنده مقاله درصدد است ضمن بررسی مبانی فکری و نظری موضوع، با مروری بر دیدگاه‌های مختلف و سنجش اهمیت آنها قبل از برگزاری انتخابات و بررسی سیر تحول و تغییر وزن آنها پس از ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، نشان دهد تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر حل و فصل مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چه بوده است. با وجود اینکه خود برنامه هسته‌ای باعث تغییر ترکیب صف‌آرایی در انتخابات ریاست جمهوری شد و از این حیث تبیین میزان و نحوه تأثیر آن بر انتخابات نیز موضوعی مهم و قابل توجه است، اما مسئله اصلی نگارنده در این نوشتار بررسی میزان و نحوه تأثیر انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ بر امکان حل و فصل مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است.

گرچه پس از مرور دیدگاه‌ها و وضعیت قبل و بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری می‌توان گفت این متغیر تا چه حد و چگونه بر افزایش یا کاهش امکان حل و فصل برنامه هسته‌ای تأثیر داشته است، اما فرض نویسنده این است که انتخاب آقای روحانی به عنوان هفتمین رئیس جمهور اسلامی ایران باعث تقویت زمینه تعامل و افزایش امکان حل و فصل مسأله‌آمیز مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است. البته، لازم به ذکر است که این مقاله به هیچ وجه به میزان توانمندی دولت یازدهم برای حل و فصل موضوع اشاره نمی‌کند و فقط با تمرکز بر چرخش گفت‌وگویی و تغییر فضای داخلی و بین‌المللی به دنبال بررسی میزان امکان‌پذیری تحول در برخورد با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. برای رد یا تأیید این فرضیه در سه بخش مجزا و در عین حال مرتبط با یکدیگر، ابتدا به بررسی دیدگاه‌های مختلف نسبت به برنامه

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم که تأثیر انتخابات ۲۴ خرداد هم در همان چارچوب قابل بررسی است. سپس، مواضع و دیدگاه‌های رسمی و غیررسمی بازیگران اصلی را قبل و پس از انتخابات مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم و در نهایت، با مقایسه آنها بر مبنای چارچوبی ابتکاری به سنجش میزان و نحوه تحول در مواضع و دیدگاه‌ها از یک سو و تحلیل تغییر شکاف میان کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران از سوی دیگر می‌پردازیم تا در نتیجه‌گیری بتوانیم در مورد رد یا تأیید فرضیه قضاوت دقیق‌تری داشته باشیم.

الف. سیاست هسته‌ای ایران؛ مناظره‌ها و نظریات

موضوع هسته‌ای ایران بدون تردید یکی از مسائل مهم و استراتژیک بین‌المللی است که حل و فصل یا پیچیده‌تر شدن آن پیامدهای بسیار مهمی نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای کل مردم منطقه و همچنین در سطح بین‌المللی دارد. در واقع، موضوع هسته‌ای ایران هم در سطح داخلی و هم در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دارای آثار و تبعاتی بوده و به همین دلیل هم توجه محافل علمی و سیاسی را در داخل و خارج از کشور برانگیخته است.

از سال ۲۰۰۲ میلادی که موضوع هسته‌ای ایران به صورت گسترده در افکار عمومی مطرح شد، مناظره‌ها و نظریات مختلفی در ارتباط با موضوع شکل گرفته است. مروری کلی بر ادبیات موجود نشانگر آن است که این موضوع از یک سو باعث شکل‌گیری مناظره‌هایی در مورد ابعاد تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی شده و از سوی دیگر، به طبقه‌بندی دیدگاه‌های سیاسی در داخل کشور دامن زده که بر مبنای هر یک از آنها سیاست‌های هسته‌ای متفاوتی به اجرا گذاشته شده است. در واقع، به تناسب این تفاوت دیدگاه‌ها، جمهوری اسلامی نه با یک نوع، بلکه با انواعی از سیاست‌های هسته‌ای مواجه بوده که انتخابات ریاست جمهوری همواره نقشی تعیین‌کننده در اولویت‌بخشیدن به یکی از این دیدگاه‌ها داشته است.

در محور نخست، مسئله اصلی وجود همبستگی مثبت یا منفی بین هسته‌ای شدن ایران و ثبات در منطقه خاورمیانه و نیز توازن در ساختار نظام بین‌الملل است. بر مبنای این موضوع، مناظره اساسی بین طرفداران نگاه خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد. نگاه خوش‌بینانه که ریشه در مفروضات نواقح‌گرایانه نظریه‌های روابط بین‌الملل دارد و کنت والتز را می‌توان مهم‌ترین نماینده

آن تلقی کرد، بر این باور است که گسترش هسته‌ای به خودی خود موضوع نگران‌کننده‌ای نیست. از دید وی، اگر ایران به دلیل نگرانی‌های امنیتی خود به سمت ساخت سلاح هسته‌ای هم برود جای نگرانی ندارد؛ زیرا بازدارندگی قطعاً مانع استفاده از آن خواهد شد. در واقع، از یک سو وی رفتن به سمت سلاح هسته‌ای به دلیل نگرانی‌های امنیتی ایران را توجیه می‌کند و از سوی دیگر، در صورت تحقق چنین وضعیتی معتقد است که به دلیل قطعی بودن اثر منطق بازدارندگی جایی برای نگرانی وجود ندارد. به عبارت دیگر، از دید والتز نه تنها هسته‌ای شدن ایران نگران‌کننده نیست، بلکه با توجه به هسته‌ای بودن اسرائیل و در راستای ایجاد توازن در منطقه، امری اجتناب‌ناپذیر و حتی لازم است (ر.ک: Waltz in Sagan et.al, 2007: 136-138).

همچنان‌که والتز مدعی است هسته‌ای شدن ایران باعث تقویت بازدارندگی و ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه می‌شود، دیگر طرفداران این دیدگاه نیز با تأکید بر منطق بازدارندگی و کارویژه توازن‌بخش سلاح‌های هسته‌ای، حرکت ایران به این سمت را نه تنها برای ایجاد ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی نگران‌کننده نمی‌دانند، بلکه بر آثار مثبت‌بخش آن نیز تأکید می‌کنند (ر.ک: Russell, 2005; Hagerty, 2009; Weiss, 2009).

در نقطه مقابل این دیدگاه، طیفی از طرفداران نگاه بدبینانه قرار می‌گیرند که با اتکا بر مفروضات نولیبرالیستی بر ماهیت ویرانگر سلاح‌های هسته‌ای از یک سو و ماهیت متفاوت نظام سیاسی ایران با ساختارهای بین‌المللی موجود از سوی دیگر تمرکز می‌کنند. اسکات سیگن به عنوان نماینده اصلی این دیدگاه با این استدلال که سلاح‌های هسته‌ای توسط دولت‌ها کنترل نمی‌شوند و امکان انتقال آن به سازمان‌های تروریستی وجود دارد، هسته‌ای شدن ایران را مسئله‌ای خطرناک برای ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی تلقی می‌کند (Sagan et.al, 2007: 138-42).

گرچه هر دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه برنامه هسته‌ای ایران را دارای ماهیتی نظامی فرض می‌کنند که در عمل نه دولت ایران آن را می‌پذیرد و نه دلیل و سند معتبری برای آن وجود دارد، اما در این میان، نگاه بدبینانه بیشتر در معرض انتقاد است و از واقعیت‌های موجود بیشتر فاصله دارد. با وجود این، طرفداران این دیدگاه تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم بین‌المللی، بیشتر از طرفداران نگاه نخست هستند (ر.ک: Delpech, 2007; Sokolski, 2005; Laipson, 2004; Farhamy, 2008; Lippman, 2004; Cordesman and Kleiber, 2007) و با

معرفی هسته‌ای شدن ایران به عنوان عامل بی‌ثباتی منطقه‌ای، بی‌اثر شدن پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تهاجمی‌تر شدن رفتار ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در عمل باعث تغییر فضای منطقه‌ای و بین‌المللی بر علیه ایران شده‌اند (ر.ک: Pollack, 2007; Ehteshami and Zweiri, 2007; Perkovich and Manzanero, 2005).

جدی‌ترین انتقاد به این مناظره آن است که طرفداران هر دو دیدگاه تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را مفروض می‌پندارند، در حالی که از یک سو مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی بارها بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای تأکید کرده‌اند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۸۹؛ Khamenei, 2006) و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم که نظارت کامل بر برنامه‌های ایران دارد، بارها به صراحت تأکید کرده است که شواهدی دال بر نظامی‌بودن برنامه هسته‌ای ایران نیافته است (IAEA, 2007: 8; 2008: 5, 9). البته، مناظره مذکور بسیاری از ابعاد و زوایای سیاست هسته‌ای ایران را روشن می‌کند، اما از آنجا که صرفاً بر ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی این موضوع تأکید می‌کند و تنوع دیدگاه‌ها در ایران در قبال این برنامه را نادیده می‌گیرد، در معرض انتقاد جدی است. در واقع، بر خلاف تصور طرفداران این دو دیدگاه، نه جمهوری اسلامی ایران سیاست هسته‌ای واحد را در طول سال‌های گذشته دنبال کرده و نه در ایران همه نسبت به راه‌های حل و فصل موضوع دیدگاه واحدی دارند. به همین دلیل، شاید نظرات کسانی که بر مبنای تقسیم‌بندی دیدگاه‌های داخلی به بررسی موضوع می‌پردازند از اهمیت و اعتبار بیشتری برخوردار باشد.

به عبارت دیگر، گرچه نباید از مناظره جدی بین دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه نسبت به پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع بگذریم، اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که تغییرات در عرصه سیاست داخلی ایران تأثیری تعیین‌کننده بر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی داشته است. به تعبیری، «روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران کاملاً تحت تأثیر سیاست داخلی آن و تا حد زیادی متأثر از تغییر فرایندهای منقطع دوران پس از انقلاب است» (Halliday, 2001: 4) که بدون شناخت کلی آنها نمی‌توان به حل موضوع هسته‌ای فکر کرد. در واقع، همچنان‌که به قدرت رسیدن آقای احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ تأثیر خود را بر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نحوه واکنش محیط بیرونی گذاشت، با انتخاب آقای

روحانی در سال ۱۳۹۲ هم بار دیگر اثرات خود را آشکار می‌کند و به تبع تغییر در سیاست هسته‌ای، باید منتظر واکنش‌های بین‌المللی متفاوت نیز بود.

با این اوصاف، در مقابل دیدگاه‌های خوش‌بینانه و بدبینانه که بیشتر بیانگر نگرانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران هستند، برخی اندیشمندان در داخل و خارج از ایران بر این باورند که سیاست هسته‌ای ایران نتیجه نزاع قدرت در داخل کشور است و بر این اساس، همچنان‌که از تقسیم‌بندی‌های مختلف در صحنه سیاست داخلی ایران سخن به میان می‌آورند، بر تفاوت سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نیز تأکید می‌کنند. بر همین اساس، شهرام چوبین از عمل‌گرایان و اصول‌گرایان به عنوان دو طرف منازعه سیاسی در داخل ایران سخن به میان می‌آورد که اولی درصدد است از برنامه هسته‌ای به عنوان اهرم چانه‌زنی، به ویژه در مقابل آمریکا استفاده کند و دیگری به خودی خود آن را هدف می‌داند تا ساختار ناعادلانه بین‌المللی را به پذیرش قدرت ایران وادار کند (Chubin, 2008: 58).

زیگنیو برژینسکی و رابرت گیتز با مطرح کردن اصلاح‌طلبان به جای عمل‌گرایان در مقابل اصول‌گرایان در چارچوب فوق بر این باورند که مناظره میان این دو جناح مبنای مواجهه آنها با جامعه بین‌المللی است (Brzezinski and Gates, 2004: 24). مهران کامروا طرفین این مناظره را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند که در نهایت در مواجهه با برنامه هسته‌ای به دو اردوگاه تقسیم می‌شوند. از دیدگاه وی رادیکال‌ها، محافظه‌کاران سنتی و اصلاح‌طلبان هر یک رویکرد خاص خود را در قبال امنیت ملی دارند، اما در نهایت، بین محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان در برخی موضوعات از جمله برنامه هسته‌ای اتفاق نظر وجود دارد و بر این اساس، ائتلاف محافظه‌کاران-اصلاح‌طلبان در موضوع هسته‌ای در مقابل رادیکال‌ها قرار می‌گیرد (Kamrava, 2007: 94-96).

بر مبنای دیدگاهی مشابه، نادر انتصار ضمن برشمردن سه حلقه اصلی تصمیم‌گیری درباره برنامه هسته‌ای ایران، از محافظه‌کاران افراطی و اصلاح‌طلبان به عنوان دو طرف اصلی سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی یاد می‌کند که در عین اتفاق نظر در مورد پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز، اختلافاتی در مبنای فکری با یکدیگر دارند (Entesar, 2009: 32). در واقع، بیشتر این تحلیل‌گران، سیاست هسته‌ای ایران را بر مبنای میزان نفوذ و قدرت هر یک یا ائتلافی از دیدگاه‌های سیاسی داخلی ارزیابی می‌کنند. بر همین اساس، فردریک وری و همکارانش نیز

مناظره میان عمل‌گرایان، اصلاح‌طلبان و نومحافظه‌کاران که به ترتیب از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷، ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ و از ۲۰۰۵ به بعد در قدرت بوده‌اند را شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند (Wehrey et.al, 2009: 25-26).

ری تکیه مناظره بر سر سیاست هسته‌ای ایران را بین اصلاح‌طلبان، محافظه‌کاران و اصول‌گرایان می‌داند (Takeyh, 2003: 24-25; 2006: 31-56). جنیو عبدو این دیدگاه‌ها را در قالب اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و سنت‌گرایان تقسیم‌بندی می‌کند (Abdo, 2004: 39). دیوید اوچمانک نیز سه جناح اصول‌گرایان، عمل‌گرایان و اصلاح‌طلبان را به عنوان گروه‌های عمده و تصمیم‌گیر در مورد برنامه هسته‌ای ایران معرفی می‌کند (Ochmanek, 2007: 23).

با اندکی اختلاف، برخی تحلیل‌گران مناظره‌ها در مورد سیاست هسته‌ای ایران را بین نخبگان سیاسی و علمی و حتی افکار عمومی مورد توجه قرار می‌دهند. بر مبنای این تقسیم‌بندی، سعیده لطفیان تصمیم‌گیران سیاسی، اندیشمندان و سیاستمداران ایرانی را در دو گروه متمایز "طرفدار" و "مخالف" برنامه هسته‌ای تقسیم‌بندی می‌کند (Lotfian, 2008: 160-65). بر مبنای همین روش، حیدرعلی بلوجی رویکردها در قبال برنامه هسته‌ای و پیمان خلع سلاح را در قالب دیدگاه‌های ایدئولوژیک، واقع‌گرایانه و نهادی مورد توجه قرار می‌دهد (Balouji, 2005: 75). این نحوه طبقه‌بندی برخی اندیشمندان را به این نتیجه رسانده که در ایران اجماع نظر در مورد برنامه هسته‌ای وجود ندارد، اما اصول مشخصی وجود دارد که بر مبنای آنها فرایند تصمیم‌گیری در مورد برنامه هسته‌ای ایران انجام می‌شود (Ehteshami and Zweiri, 2007: 125-28).

بر مبنای طبقه‌بندی متفاوت، حمیرا مشیرزاده به بررسی گفتمان‌های اساسی شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای ایران می‌پردازد و بدین ترتیب از سه گفتمان استقلال، عدالت و مقاومت به عنوان مبنای شکل‌دهنده به هویت جمهوری اسلامی ایران سخن به میان می‌آورد که هر کدام در دوره‌ای از حیات جمهوری اسلامی مبنای تصمیم‌گیری در مورد برنامه هسته‌ای ایران نه تنها بین نخبگان، بلکه در کل جامعه بوده‌اند (Moshirzadeh, 2007).

مرور اجمالی این گروه از نظرات و دیدگاه کارشناسان و تحلیل‌گران مسائل ایران حاکی از آن است که تغییر در عرصه سیاست داخلی ایران خواه ناخواه باعث تغییر در سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌شود و به همین دلیل می‌توان گفت روی کار آمدن دولت یازدهم

فضای گفتمانی را به نفع ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر داده و امکان حل و فصل مسألت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران را افزایش می‌دهد. با اتکا بر این دیدگاه‌ها می‌توان استدلال کرد انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ که منجر به واگذاری قدرت از اصول‌گرایان به ائتلافی از عمل‌گرایان-اصلاح‌طلبان شد، باعث تغییر در سیاست هسته‌ای ایران و به تبع آن نحوه برخورد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. البته، قبل از آنکه به صورت عملیاتی به بررسی موضوع پردازیم، این فقط فرضیه است. به عبارت دیگر، اکنون برای آنکه بدانیم آیا این فرض صحیح است یا نه، بایستی تأثیر تغییر در عرصه سیاست داخلی ایران در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ را در تغییر فضای گفتمانی موجود بررسی و تحلیل کنیم.

ب. مواضع و دیدگاه‌ها قبل از انتخابات ریاست جمهوری

مروری بر مواضع و دیدگاه کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، به خوبی نشان می‌دهد طرفین غربی در عین افزایش تهدید و فشار و تحریم، نیم‌نگاهی به انتخابات و نتیجه آن داشتند. در واقع، هرچند سیاست اعمال فشار و تهدید همواره بخشی قابل توجه از استراتژی غرب برای نتیجه‌گرفتن از مذاکره با ایران بر سر برنامه هسته‌ای آن بوده است، اما قبل از دور اول مذاکرات ایران و ۵+۱ در آلمانی قزاقستان که روزهای ۷ و ۸ اسفند ۱۳۹۱ (۲۷ و ۲۸ فوریه ۲۰۱۳) برگزار شد، این فشارها و تهدیدات تا حدی فروکش کرد تا شاید بدین ترتیب امکان افزایش تعامل میان ایران و غرب فراهم شود. این مذاکرات در شرایطی برگزار شد که هنوز صف‌آرایی کاندیداها در انتخابات ریاست جمهوری آینده مشخص نشده بود و به همین دلیل، طرفین غربی با بیم و امید وارد مذاکره با ایران شدند. این تردیدها به حدی بود که حتی مسئولین روسیه را نیز به دلیل عدم برنامه‌ریزی برای مذاکرات به اعتراض و انتقاد واداشت. در چنین شرایطی، دور اول مذاکرات آلمانی در فضایی مبهم و به امید برگزاری دومین دور مذاکرات پایان یافت و گرچه با اظهار نظرهای مثبتی از سوی مقامات ایرانی (ر.ک: جلیلی ۱۳۹۱؛ صالحی، ۱۳۹۱) و حتی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان نماینده گروه ۵+۱ همراه بود (ر.ک: Ashton, 2013)، اما خوش‌بینی‌های طرفین تحت تأثیر فشار محافل صهیونیستی و ایران‌ستیز به سرعت رو به تغییر نهاد و بار دیگر فضای منفی رسانه‌ای و سیاسی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.

نخستین نشانه‌های این تغییر را می‌توان در موضع‌گیری منفی یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشاهده کرد که در نقطه مقابل مواضع یک هفته پیش خود که از خوش‌بینی به پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های بزرگ سخن گفته بود، تهران را متهم کرد که «از تاکتیک‌های به تأخیر انداختن برای ارائه مجوز دسترسی بازرسان به سایت نظامی پارچین استفاده می‌کند» (آمانو، ۱۳۹۱).

این موضع آمانو به ویژه با توجه به جایگاه حقوقی وی و نهاد متبوعش در فضای مبهم پس از دور اول مذاکرات آلماتی به سرعت مورد توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای قرار گرفت. موضع آمانو که بهانه‌ای برای فشار بیشتر بر جمهوری اسلامی ایران شد، بیش و پیش از همه در مذاکرات جان کری و سعود الفیصل، وزرای خارجه آمریکا و عربستان سعودی، انعکاس یافت. موضع عربستان سعودی که از مدت‌ها قبل تغییر یافته و در چارچوب «تهدیدآمیز» خواندن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران آشکار شده بود، در سخنان خصمانه سعود الفیصل آشکار شد. وی که پیش از آن به صراحت از حرکت عربستان به سمت ساخت یا خرید سلاح هسته‌ای در صورت دستیابی ایران به آن سخن گفته بود، در ملاقات با همتای آمریکایی خود در خصوص ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران ابراز تردید کرد و مدعی شد «ایران از گفتگوهای هسته‌ای برای خرید زمان به منظور پیشبرد اهداف هسته‌ای‌اش استفاده می‌کند» (فیصل، ۱۳۹۱).

این تغییر را حتی در لحن جان کری که با شروع به کار در وزارت خارجه آمریکا به دنبال تعامل بیشتر با ایران بود و با وجود فشار صهیونیست‌ها و جمهوری خواهان اغلب از دیپلماسی به عنوان راه حل مسئله هسته‌ای ایران سخن می‌گفت نیز می‌توان دید. وی در دیدار با همتای عربستانی خود ضمن قلمداد کردن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان «تهدید علیه صلح و امنیت جهانی»، به صراحت تأکید کرد: «زمان برای حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران محدود است و پنجره برای دیپلماسی نمی‌تواند برای همیشه باز بماند» (کری، ۱۳۹۱).

فاصله دور اول تا دوم مذاکرات آلماتی از نظر میزان فشارها و تهدیدهایی که از جانب آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش علیه ایران در دستور کار قرار گرفت، نمونه‌ای قابل توجه از تشدید سیاست اعمال فشار و تهدید در عین ابراز تمایل برای مذاکره است. در این دوران، علاوه بر محافل صهیونیستی و ضد ایرانی در منطقه، طرفداران پیشین مذاکره و

دیپلماسی هم از توسل به تحریم و فشار و حتی تهدید نظامی روزافزون ابایی نداشتند. این تغییر را حتی در لحن رئیس جمهور آمریکا در جریان سفر به اسرائیل به خوبی می‌توان شاهد بود. باراک اوباما در جریان این سفر به صراحت گفت «ایران مسلح به سلاح هسته‌ای تهدیدی برای اسرائیل، منطقه و جهان است». وی ضمن مرجع‌خواندن راه حل دیپلماتیک بار دیگر بر روی میز بودن تمام گزینه‌ها تأکید کرد و حتی حق اسرائیل برای دفاع مشروع از خود را نیز مورد تأکید قرار داد. وی همچنین در کنفرانس خبری مشترک خود با نتانیاهو گفت: «برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی هر اقدامی را که لازم باشد به عمل خواهد آورد» (اوباما، ۱۳۹۲) و در دیدار با دانشجویان اسرائیلی، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را باعث جسارت‌بخشیدن به دولت ایران دانست (ایران هسته‌ای، ۱۳۹۲الف).

با وجود این مواضع متناقض و با وجود اینکه مسئولین جمهوری اسلامی از این گونه رفتارها نتیجه گرفتند که «آمریکا خواهان به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲)، در حالی که جمهوری اسلامی ایران خود را برای دور دوم مذاکرات در آلمانی آماده می‌کرد، از یک سو فشار صهیونیست‌ها و از سوی دیگر، طرفداران آنها در آمریکا و منطقه علیه ایران در حال گسترش بود.

پیشنهاد اعمال تحریم‌هایی سخت‌گیرانه توسط دو سناتور آمریکایی که حتی معاملات جمهوری اسلامی ایران با یورو را نیز هدف قرار می‌داد (صدای آمریکا، ۱۳۹۲) و همچنین موضع‌گیری برخی مقامات آمریکایی در حمایت از اپوزیسیون ایران و پیشنهاد به دولت ایالات متحده برای تقویت و تشویق آنها برای یکپارچگی در مقابل دولت جمهوری اسلامی که در واقع حکایت از عملیاتی‌شدن تهدیدهای آمریکا علیه ایران داشت (ایران هسته‌ای، ۱۳۹۲ب)، مرحله بعدی این سیاست بود.

این مواضع به قدری فضا را برای مذاکره و دیپلماسی تنگ کرد که حتی دور دوم مذاکرات آلمانی را نیز تحت تأثیر قرار داد. با وجود اینکه در مذاکرات مذکور آقای جلیلی، مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرد «کلید حل مذاکرات رو به جلو یک کلمه است و آن هم اینکه ۵+۱ صریحاً بگوید حق غنی‌سازی ایران را قبول دارد» (جلیلی، ۱۳۹۲)، اما طرف مقابل حتی از پذیرش چنین حقی نیز طفره رفت.

نتیجه این سیاست اعمال فشار و تهدید آن بود که نمایندگان ایران و ۵+۱ در پایان مذاکرات آلماتی ۲، ضمن تأیید فاصله میان دیدگاه‌های دو طرف و حتی بدون تعیین زمان و مکان بعدی، فقط اعلام کردند که مذاکرات پس از مشورت کاترین اشتون با وزرای خارجه غربی ادامه پیدا خواهد کرد (ایران هسته‌ای، ۱۳۹۲ج؛ ۱۳۹۲د؛ دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲). در واقع، بر خلاف فضای پس از مذاکرات آلماتی ۱ که هنوز هم امید به حل و فصل موضوع هسته‌ای و به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود داشت، پس از دور دوم مذاکرات، چشم‌انداز مبهم‌تر شد؛ حتی منابع خبری از تعبیری چون بن‌بست یا وقفه در مذاکرات سخن به میان آوردند (ایران دیپلماسی، ۱۳۹۲الف) و بار دیگر، سنای آمریکا برای وضع تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران دست به کار شد.

در چنین شرایطی، حتی از الگوی کره شمالی به عنوان آینده برنامه هسته‌ای ایران سخن به میان آمد و سیاستمداران و تحلیل‌گران غربی با این ادعا که ایران از نحوه واکنش جامعه بین‌المللی به کره شمالی درس می‌گیرد، خواستار شدت عمل بیشتر هم در مقابل کره شمالی و هم در مقابل ایران شدند (عابدینی و روشندل، ۱۳۹۲).

با آشکار شدن حضور برخی چهره‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری، حدس‌ها و تحلیل‌ها در مورد تأثیر انتخابات بر برنامه هسته‌ای آشکارتر شد و به ویژه زمانی که دو چهره اصلی درگیر در مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب طی دهه گذشته پا به میدان رقابت انتخابات ریاست جمهوری گذاشتند، این دیدگاه تقویت شد که انتخابات آینده بیش از آنکه عرصه رقابت دو جناح اصول‌گرا و اصلاح‌طلب باشد، عرصه زورآزمایی دو رویکرد متفاوت در حل و فصل موضوع هسته‌ای است.

با وجود اینکه قبل از ورود به عرصه انتخابات ریاست جمهوری نیز برخی مراکز فکری و پژوهشی یا تحلیل‌گران ایرانی و غربی راه حل را در بازکردن راهی به سوی تعامل با ایران می‌دیدند و از مذاکره ایران و آمریکا به عنوان بهترین روش حل مسئله سخن به میان می‌آوردند (ر.ک: کراکر، ۱۳۹۲؛ والت، ۱۳۹۲؛ Nasr, 2013; Takeyh, 2013)، اما تأکید بر مذاکره و دیپلماسی به عنوان بهترین گزینه، در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت، زمانی مورد توجه جدی و فراگیر قرار گرفت که مشخص شد ممکن است نتیجه انتخابات به گونه‌ای دیگر رقم بخورد.

نخستین نشانه‌های این تغییر رویه از زمانی آشکار شد که آقای روحانی مسئول پیشین مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب در اواخر فروردین‌ماه، حضور خود را در انتخابات رسماً اعلام کرد. واکنش رسانه‌ها و تحلیل‌گران مسائل ایران به این حضور از همان ابتدا مثبت بود و حتی در بدترین وضعیت گفته می‌شد با حضور روحانی در عرصه انتخابات، موضوع هسته‌ای به عنوان مبنای رقابت مورد توجه قرار می‌گیرد (ر.ک: آفتاب نیوز، ۱۳۹۲؛ دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲). آنچه این نوع نگرش را تقویت می‌کرد، قطعی تلقی شدن حضور آقای جلیلی به عنوان مسئول وقت مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ به عنوان یکی دیگر از کاندیداهای مطرح در انتخابات بود.

با اعلام کاندیداتوری آقای هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری، این تغییر نگرش بیش از پیش تقویت شد، اما پس از آنکه صلاحیت وی برای حضور در انتخابات توسط شورای نگهبان تأیید نشد، بار دیگر نگاه‌ها تغییر کرد. با حضور آقای هاشمی رفسنجانی تحلیل‌گران غربی در عین تأثیر حضور وی بر مذاکرات ایران و آمریکا سعی کردند بر این باور پافشاری کنند که با وجود نقش تعیین‌کننده رهبری در سیاست هسته‌ای ایران، در صورت پیروزی هاشمی شاهد تغییراتی قابل توجه در روابط ایران و آمریکا خواهیم بود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲).

چنین تحلیل‌های خوش‌بینانه‌ای در شرایطی از سوی تحلیل‌گران و حتی سیاستمداران غربی در حال افزایش بود که در نقطه مقابل، از یک سو طرفداران مقاومت بر سر سیاست هسته‌ای جاری در داخل و طرفداران مقابله سرسختانه و حتی نظامی با ایران در خارج نیز به فعالیت خود ادامه می‌دادند. در داخل، آقای جلیلی به عنوان کاندیدای شاخص طرفدار تداوم سیاست هسته‌ای موجود به صراحت از «مقاومت در مقابل غرب» به عنوان دستور کار خود در صورت پیروزی در انتخابات سخن به میان می‌آورد (جلیلی، ۱۳۹۲) و در مقابل، رسانه‌ها و تحلیل‌گران غربی نیز از تذکر تبعات شکست دیپلماسی در حل موضوع هسته‌ای (راس، ۱۳۹۲)، چالش ایران پس از احمدی‌نژاد برای صلح و امنیت جهان (Eldar, 2013)، موضع مشترک تل‌آویو و ریاض در قبال تهران (افتخاری، ۱۳۹۲)، مجهز کردن تل‌آویو در مقابل ایران (Goldberg, 2013) و حتی طرح سناریوهای حمله نظامی به ایران (ر.ک: Rozen, 2013; Haaretz, 2013) سخن می‌گفتند.

در مجموع، با وجود اینکه مواضع کشورها و همچنین دیدگاه کارشناسان و تحلیل‌گران مرتبط با موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قبل از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم متنوع و متفاوت بود و باید بین مواضع روسیه و چین از یک سو و آمریکا، اروپا و اسرائیل از

سوی دیگر تفاوت قایل شد، اما خط فکری برجسته در طیف دوم اغلب مبتنی بر توسل به اقدام نظامی، تهدید نظامی و تشدید فشار و تحریم بود. البته، توسل به اقدام نظامی یا تهدید به آن از جانب این افراد و کشورها به دو منظور متفاوت به کار برده می‌شد، یکی به منظور توقف برنامه هسته‌ای ایران و دیگری برای وادار کردن جمهوری اسلامی برای امتیاز دادن در مذاکرات. به عبارت دیگر، طیفی از دیدگاه‌ها و مواضع بر این باور بودند که چون جمهوری اسلامی در مذاکرات حاضر به هیچ نوع عقب‌نشینی نیست، بنابراین باید با توسل به اقدام نظامی مانع از پیشرفت در برنامه هسته‌ای آن شد و طیف دیگر معتقد بودند با تشدید تهدید نظامی بایستی ایران را حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود در مذاکرات با ۱+۵ کرد.

طیف رادیکال این مواضع و دیدگاه‌ها بیشتر از جانب جناح سیاسی تندرو در اسرائیل و جمهوری خواهان آمریکا مطرح می‌شد که در میان برخی هم‌پیمانان منطقه‌ای آنها از جمله در عربستان سعودی و حتی برخی سران کشورهای حوزه خلیج فارس نیز قابل رؤیت بود و طیف دوم را می‌توان در میان جناح‌های میانه در این کشورها و همچنین در بین اغلب کارشناسان مرتبط با مسئله هسته‌ای ایران مشاهده کرد. حال باید دید انتخابات ریاست جمهوری یازدهم چه تأثیری در این مواضع ایجاد کرد.

ج. مواضع و دیدگاه‌ها پس از انتخابات ریاست جمهوری

با وجود اینکه کشورهای غربی و به ویژه آمریکا پس از مذاکرات آلمانی بر شدت عمل خود علیه جمهوری اسلامی ایران افزودند تا بدین ترتیب مانع از پیشرفت در برنامه هسته‌ای آن شوند، اما نیم‌نگاهی هم به انتخابات پیش روی ریاست جمهوری در ایران داشتند. البته، مرور مواضع رسمی و همچنین دیدگاه کارشناسان و تحلیل‌گران غربی به خوبی نشان می‌دهد انتظار آنها از انتخابات ریاست جمهوری بیش از آنکه برای تغییر دموکراتیک باشد، برای گشوده شدن روزنه‌های شکاف در جامعه ایران و همچنین تعمیق شکاف بین حاکمیت و مردم برای بهره‌برداری در راستای اهداف خود بود.

جمهوری اسلامی ایران در حالی در خردادماه ۱۳۹۲ وارد عرصه انتخابات ریاست جمهوری می‌شد که از یک سو هنوز وقایع ناگوار پس از انتخابات ۱۳۸۸ را فراموش نکرده

بود و آثار زیان‌بار آن را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی به وضوح دیده بود و از سوی دیگر، در محیط پیرامونی خود شاهد تغییراتی اساسی در حکومت‌های موجود، به دلیل ایستادن در مقابل خواست مردم بود. همچنین، در همین شرایط جمهوری اسلامی ایران به دلیل تشدید فشارها و تحریم‌های بین‌المللی دچار نابسامانی‌هایی در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی شده بود که از دید کارشناسان غربی و حتی برخی کارشناسان و فعالان سیاسی داخلی می‌توانست زمینه را برای تکرار حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸ و بلکه شدیدتر و فراگیرتر از آن فراهم کند. در واقع، این شرایط و زمینه‌ها بسیاری از سیاستمداران و تحلیل‌گران غربی را به این نتیجه رسانده بود که انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران تأثیری تعیین‌کننده بر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی خواهد داشت.

با جدی‌تر شدن رقابت‌های انتخاباتی و قوت گرفتن امکان پیروزی کاندیداهای متمایل به اصلاح‌طلبان و عمل‌گرایان، لحن گزارش‌ها و تحلیل‌ها نیز جدیت و صراحت بیشتری پیدا می‌کرد. سخن‌گفتن از «تکرار راه کندی در برخورد با شوروی در روابط ایران و آمریکا» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲ج) و «لزوم برقراری روابط دیپلماتیک کامل میان دو کشور» (Purzychi, 2013) یا توصیه به «تنظیم مجدد روابط ایران و آمریکا» (افتخاری، ۱۳۹۲)، نشانه‌های آشکاری از این تغییر لحن بود که پس از مشخص شدن نتیجه انتخابات به شدت رو به فزونی نهاد و حتی باعث چرخش آشکار در مواضع طرفداران استفاده از گزینه نظامی نیز شد.

پس از اینکه نتیجه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم در ایران مشخص شد و آقای روحانی به عنوان هفتمین رئیس جمهور ایران معرفی شد، در عین حال که پیام‌های تبریک از طرف مقامات کشورها و شخصیت‌های بین‌المللی روانه ایران می‌شد، اولین واکنش‌ها حکایت از سردرگمی بسیاری از تحلیل‌گران و سیاستمداران غربی داشت. برخی محافل خبری و سیاسی حتی از پیروزی آقای روحانی به عنوان «نتیجه‌ای غیرمنتظره» یاد کردند (ر.ک: خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲؛ Asteraky, 2013; Maloney, 2013) و به تدریج سعی کردند اخبار خود را به گونه‌ای جهت دهند که نشان‌گر تأیید مواضع پیشین آنها باشد. نخستین موضوعی که می‌توانست دستاویز چنین تغییری باشد، برجسته کردن تأثیر تحریم‌ها بر پیروزی آقای روحانی بود. در واقع، آنها در اقدام واکنشی سعی کردند چنین وانمود کنند که رأی به روحانی پاسخی

به تحریم‌ها بود (Ross, 2013)، اما حتی به این حد هم بسنده نکردند و به ویژه جناح تندرو و بدبین در آمریکا، اسرائیل و همچنین برخی کشورهای منطقه، به تدریج تلاش خود را برای حفظ فضای موجود علیه ایران آغاز کردند.

پیش‌گام این مخالفت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و رسانه‌ها و محافل صهیونیستی در آمریکا و اروپا بودند که در عین ناتوانی از پنهان کردن خشم خود از نتیجه انتخابات تلاش گسترده‌ای را برای جلوگیری از نزدیک شدن ایران و آمریکا آغاز کردند. نتانیاهو و هم‌فکرانش کوشیدند چنین وانمود کنند که تغییر دولت در ایران هیچ تأثیری بر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی نخواهد داشت و سخنان روحانی فقط ژستی برای خرید زمان است (نتانیاهو، ۱۳۹۲). همگام با وی، برخی نمایندگان کنگره آمریکا نیز تلاش برای تشدید تحریم‌ها را آغاز کردند تا مبدا چنین تلقی شود که فضای تهدید و تحریم شکسته شده و آمریکا باید با ایران کنار بیاید (ر.ک: آخرین نیوز، ۱۳۹۲؛ دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۲هـ). برخی محافل سیاسی و خبری در کشورهای عرب منطقه نیز در عین انعکاس این دیدگاه‌ها، مواضع مقامات کشورهای خود را نیز به صورت تلویحی در همین راستا بیان می‌کردند (ر.ک: الحیات، ۱۳۹۲؛ النهار، ۱۳۹۲).

در نقطه مقابل این طیف افراطی که قبل از انتخابات ریاست جمهوری به کمتر از جنگ و توسل به اقدام نظامی بر علیه ایران راضی نمی‌شدند و طبعاً پس از انتخابات نیز بایستی به تلاش خود برای ممانعت از تغییر فضا به نفع ایران ادامه می‌دادند، طیف گسترده و روزافزونی از مقامات و تحلیل‌گران سیاسی و استراتژیک غربی قرار گرفتند که تغییر در مواضع آنها نسبت به قبل از انتخابات را به خوبی می‌توان شاهد بود.

دنيس راس که مشاور اوباما در امور خاورمیانه در دوره اول ریاست جمهوری وی بود و حتی در روزهای پس از انتخاب آقای روحانی می‌کوشید این انتخاب را نتیجه تشدید تحریم‌ها علیه ایران جلوه دهد، چنان تغییر موضع داد که مقاومت کنگره در مقابل اوباما برای تعامل با ایران را تضمین‌کننده شکست دیپلماسی تلقی کرد و از آنها خواست از سیاست اوباما در قبال دولت روحانی حمایت کنند (راس، ۱۳۹۲). این نوع تغییر موضع به تدریج چنان در میان سیاستمداران و کارشناسان و تحلیل‌گران قوت گرفت که بیشتر آنها از ضرورت اتخاذ رویکرد جدید و مبتنی بر تعامل دولت آمریکا و اتحادیه اروپا با دولت روحانی سخن به میان آوردند (ر.ک: موسویان، ۱۳۹۲؛ سامور، ۱۳۹۲؛ لوئرز و دیگران، ۱۳۹۲؛ Walt, 2013).

این موج خوش‌بینی چنان به سرعت گسترش یافت که از فرانسوا نیکولو، سفیر سابق فرانسه در ایران تا کترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و حتی مشاوران امنیت ملی سابق آمریکا و بسیاری دیگر از سیاستمداران غربی را نیز به صف طرفداران حل و فصل دیپلماتیک موضوع سوق داد. فرانسوا نیکولو بر امیدواری اروپایی‌ها به روحانی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع تأکید کرد (نیکولو، ۱۳۹۲)، اشتون از اعلام آمادگی کامل و انتظار ۵+۱ برای مذاکره با دولت جدید ایران سخن گفت (Ashton, 2013)، برنت اسکوکرافت و زیگنیو برژینسکی، مشاوران اسبق امنیت ملی آمریکا ضمن دعوت نمایندگان کنگره به حمایت از دیپلماسی، حتی پیشنهاد ملاقات مستقیم بین اوباما و روحانی را مطرح کردند (Scowcroft and Brezinski, 2013).

در چنین فضایی که امید برای حل و فصل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران در حال افزایش بود، سیاستمداران و دیپلمات‌های برجسته غربی چون یوشکا فیشر (Fischer, 2013)، خاویر سولانا (Solana, 2013) و جک استراو (Straw, 2013) نیز با تأکید بر نگاه خوش‌بینانه، از ضرورت توجه مقامات غربی برای استفاده از فرصت حضور روحانی سخن به میان آوردند و حتی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز ضمن تأکید بر مذاکره اعلام کرد «روی کار آمدن حسن روحانی فرصتی است تا ایران به سرعت در جهت رفع نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای خود حرکت کند» (Psaki, 2013). در واقع، موجی که توسط مردم ایران در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایجاد شد، چنان افکار عمومی بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داد که نه تنها شخصیت‌های سیاسی و دیپلماتیک و تحلیل‌گران مسائل ایران، بلکه حتی مراکز فکری و علمی و همچنین رسانه‌های غربی را نیز به سخن‌گفتن از اهمیت و ضرورت تغییر مسیر در مقابل ایران تشویق کرد (ر.ک: Guardian, 2013; Foreign Policy, 2013; Financial Times, 2013).

این تغییر را حتی در لحن اظهارات نمایندگان کشورهای غربی در جلسه استماع گزارش کمیته تحریم ایران در شورای امنیت سازمان ملل نیز می‌توان دید. در این جلسه، نماینده آمریکا اعلام کرد «ما معتقدیم دیپلماسی بهترین راه برای رسیدن به راه حلی جامع و فراگیر برای رفع نگرانی‌های جدی جامعه بین‌المللی است. ما بایستی از نشانه‌های سازنده‌ای که می‌تواند ایران را وارد تعاملی حقیقی و جدی با جامعه بین‌المللی کند استقبال کنیم. اگر ایران این روش را انتخاب کند، آنگاه آمریکا را شریک علاقه‌مند خواهد یافت» و نماینده بریتانیا نیز

اعلام کرد: «انگلیس همچنان متعهد به یافتن راه حل صلح‌آمیز و از راه مذاکره برای موضوع اتمی ایران است. اگر ایران آماده است به طور جدی در مذاکرات درباره موضوع اتمی‌اش شرکت کند، ما آماده‌ایم که به آن با حسن نیت پاسخ دهیم» (Security Council, 2013).

هم‌زمان با این تغییر فضای بین‌المللی، حتی برخی اقدامات عملی مانند لغو تحریم هفت شرکت و بانک ایرانی در دادگاه عمومی اروپا و اجازه آمریکا به ده کشور اروپایی برای واردات نفت از ایران نیز انجام شد و گزارش مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم در بین تحلیل‌گران ایرانی دارای لحن مثبت ارزیابی گردید (ایران هسته‌ای، ۱۳۹۲؛ بهشتی‌پور، ۱۳۹۲).

برداشت کارشناسان و تحلیل‌گران ایرانی از این تحولات و همچنین، تحرکات در داخل کشور توسط تیم جدید دولت این بود که نگاه امنیتی به مذاکرات هسته‌ای به پایان رسیده (امیدی، ۱۳۹۲) و پرونده هسته‌ای در فرصتی کوتاه قابل حل است (مجد و معصومی، ۱۳۹۲). این گونه ارزیابی‌ها به تدریج از گمانه‌زنی فراتر رفت و به صورت روزافزون بر امید به حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران افزود؛ همان نتیجه‌ای که در نهایت پس از چند دور مذاکره در ژنو منتهی به توافق ایران و ۵+۱ برای حل دیپلماتیک موضوع شد. با این تغییرات چشم‌انداز جدیدی پیش روی ایران و جامعه بین‌المللی ایجاد شد که در ادامه با مقایسه آن با وضعیت قبل از انتخابات باید ببینیم مسیر حرکت در آینده به کدام سمت پیش می‌رود.

د. مقایسه مواضع و دیدگاه‌ها قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران که باعث تغییر در فضای سیاسی شد و با انتقال دموکراتیک قدرت از اصول‌گرایان به ائتلافی از عمل‌گرایان و اصلاح‌طلبان راه را برای تغییر در سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران آماده کرد، نقش شگرفی در شکل‌گیری فضای مثبت بین‌المللی به نفع ایران داشت. هرچند بعد از انتخابات نیز نگاه‌های بدبینانه و محتاطانه به کلی کنار گذاشته نشدند، اما با شروع به کار دولت تدبیر و امید، تقریباً آشکار شد که از یک سو این دولت اراده‌ای جدی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع دارد و از سوی دیگر، طرفین غربی نیز به دلایل مختلف تمایل بیشتری برای پایان‌دادن به این مسئله دارند. در واقع، تا حدی مشخص شد که مسیر حرکت طرفین به سمت تعامل و حل دیپلماتیک موضوع

است، اما تحلیل این تغییر از خلال مقایسه وضعیت پیش و پس از انتخابات، هم بدیهی بودن این مسئله را فرومی‌ریزد و هم مسیر آینده را تا حد زیادی ترسیم می‌کند. برای دستیابی به چنین تحلیلی در ادامه از دو چارچوب تحلیل کمی مواضع و تحلیل شکاف بین کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران استفاده می‌شود.

۱. مقایسه و تحلیل کمی مواضع رسمی

در بخش دوم به صورت کلی به بررسی مواضع کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران پرداخته شد و مشخص گردید حتی به صورت کلی نیز تغییر مواضع را می‌توان مفروض تلقی کرد، اما برای آنکه این ادعا پشتوانه علمی و منطقی داشته باشد که بتوان بر مبنای آن به تبیین وضعیت آینده پرداخت، در این بخش ابتدا مواضع کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را در هفت مقوله رتبه‌بندی می‌کنیم و با تعیین نمره برای هر یک به بررسی تغییرات صورت‌گرفته در این زمینه می‌پردازیم. در واقع، هریک از اعضای ۵+۱ و اسرائیل به عنوان طرفین مقابل ایران در دوران قبل و پس از انتخابات، مواضعی در مقابل سیاست هسته‌ای ایران داشته‌اند که این مواضع در هفت سطح قابل رتبه‌بندی است.

مروور کلی مواضع کشورهای مختلف در قبال برنامه هسته‌ای ایران نشان می‌دهد سخت‌ترین یا به عبارت دقیق‌تر، خصمانه‌ترین موضع در قبال ایران «توسل به اقدام نظامی» بوده است که هرچند هیچ‌گاه اتفاق نیفتاده، اما همواره طرفدارانی به ویژه در اسرائیل و آمریکا و حتی برخی سران کشورهای عرب منطقه داشته است. گزینه‌های «تهدید به اقدام نظامی» و «استفاده از اهرم فشار و تحریم» به عنوان دو رویکرد کمتر خصمانه، همواره از جانب کسانی که مخالف پیشرفت در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند، در دستور کار قرار داشته که می‌توان آنها را در رتبه‌های بعد قرار داد. در موضعی میانه، برخی کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بر «پذیرش حق ایران» برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای به صورت کلی تأکید داشته‌اند که آن را در رتبه چهارم قرار می‌دهیم و همچنین با تفکیک رویکرد کشورهای «غنی‌سازی تا ۵ درصد» توسط ایران را می‌پذیرند و آنهایی که «غنی‌سازی بیش از ۵ درصد» را نیز قابل قبول می‌دانند، این دو موضع را نیز در رتبه‌های پنجم و ششم قرار می‌دهیم و رتبه آخر هم که در

منتهی‌الیه طیف موافقان قرار می‌گیرد، رویکرد «تعامل سازنده» است. این رویکردها را به ترتیب از خصمانه‌ترین تا مسالمت‌آمیزترین، در جدول زیر می‌توانیم رتبه‌بندی کنیم.

هر یک از این مواضع یا رویکردها در بین کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، در سطوح مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند که آنها را نیز در هفت گزینه موافقت کامل، موافقت مشروط، موافقت پنهان، بی‌طرف، مخالفت پنهان، مخالفت مشروط و مخالفت کامل، رتبه‌بندی و به ترتیب از ۳+ تا ۳- نمره‌گذاری می‌کنیم. بدین ترتیب، بر مبنای این رتبه‌بندی و نمره‌گذاری که بر مبنای ترتیب اهمیت و وزن در جدول سمت چپ زیر آمده‌اند، می‌توانیم مواضع هر یک از کشورهای مذکور را در دوران قبل و پس از انتخابات مشخص کنیم.

نمره	موضع	رویکرد
۳	موافقت کامل	توسل به اقدام نظامی
۲	موافقت مشروط	تهدید به اقدام نظامی
۱	موافقت پنهان	اعمال فشار و تحریم
۰	بیطرف	پذیرش حق ایران
-۱	مخالفت پنهان	غنی‌سازی تا ۵ درصد
-۲	مخالفت مشروط	غنی‌سازی بیش از ۵ درصد
-۳	مخالفت کامل	تعامل سازنده

همچنان‌که در بخش قبل هم با استناد به مواضع رسمی نشان داده شد، دولت ایالات متحده آمریکا قبل از انتخابات ریاست جمهوری به صورت مشروط موافق کاربرد نیروی نظامی بود، همواره تهدید به اقدام نظامی می‌کرد، با سیاست فشار و تحریم موافقت کامل داشت، به هیچ وجه حاضر به پذیرش حق ایران در برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نبود، مخالف کامل غنی‌سازی در ایران چه در سطح ۵ درصد و چه ۲۰ درصد بود و با این مواضع، قاعدتاً جایی برای تعامل سازنده با ایران هم وجود نداشت.

موضع اتحادیه اروپا قبل از انتخابات ریاست جمهوری بسیار نزدیک به موضع آمریکا بود. انگلیس، فرانسه و آلمان، به عنوان سه کشور اروپایی که همواره در مذاکرات هسته‌ای با ایران شرکت داشته‌اند و موضع آنها از طریق مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هماهنگ می‌شود، به صورت مشروط، موافق توسل به اقدام نظامی بودند، از تهدید به اقدام نظامی به صورت مشروط حمایت می‌کردند، بخشی از سیاست فشار و تحریم علیه ایران بودند، از پذیرش حق

هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران حتی بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای امتناع می‌کردند، با غنی‌سازی در هر سطح آن در ایران مخالفت کامل داشتند، اما گاهی از تعامل سازنده با ایران در صورت تعلیق کامل فعالیت‌های هسته‌ای‌اش نیز حمایت می‌کردند.

موضع روسیه و چین قبل از انتخابات ریاست جمهوری با مواضع آمریکا و اروپا تفاوت داشت و آنها با اندکی تفاوت با تأکید بر تعامل با ایران، هیچ‌گاه موافق توسل به اقدام نظامی نبودند و حتی تهدید به اقدام نظامی را نیز باعث پیچیده‌تر شدن مسئله و عامل ناکامی در مذاکرات تلقی می‌کردند. این دو کشور در عین مقاومت در مقابل سیاست اعمال فشار و تحریم، به دلیل در معرض خطر افتادن منافع خود، در برخی موارد از حق ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و حتی غنی‌سازی تا سطح ۵ درصد نیز به صورت مشروط حمایت می‌کردند، اما آنها نیز مخالف غنی‌سازی بیش از ۵ درصد توسط ایران بودند.

افراطی‌ترین مواضع در قبال برنامه هسته‌ای ایران قبل از انتخابات ریاست جمهوری توسط سیاستمداران اسرائیلی اتخاذ شده بود. آنها با جانبداری و حتی تحریک توسل به اقدام نظامی، همواره بر طبل جنگ با ایران می‌کوبیدند و حتی تهدید به اقدام نظامی بدون عمل به آن از جانب آمریکا و اروپا را عامل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران می‌دانستند. سیاستمداران اسرائیلی در عین نارضایتی از فشار و تحریم به این دلیل که زمان بیشتری در اختیار ایران برای تکمیل تأسیسات هسته‌ای‌اش قرار می‌دهد، با تشدید آنها موافقت کامل داشتند و طبعاً حق ایران برای غنی‌سازی در هر سطحی و حتی استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را نیز به رسمیت نمی‌شناختند و تعامل با جمهوری اسلامی را تهدیدی برای خود تلقی می‌کردند. مواضع این کشورها قبل از انتخابات را بر مبنای جداول فوق می‌توان چنین نمره‌گذاری کرد:

کشور/موضع	اقدام نظامی	تهدید نظامی	فشار و تحریم	پذیرش حق ایران	غنی‌سازی تا ۵٪	غنی‌سازی تا ۲۰٪	تعامل سازنده
آمریکا	۲	۲	۳	-۳	-۳	-۳	-۳
اسرائیل	۳	۳	۳	-۳	-۳	-۳	-۳
اتحادیه اروپا	۲	۲	۳	-۲	-۳	-۳	۲
چین	-۳	-۲	۱	۲	-۲	-۳	۳
روسیه	-۳	-۲	۱	۲	-۲	-۳	۳

همچنان‌که با نگاهی اجمالی به جدول فوق می‌توان درک کرد، موضع آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا به سه گزینه خصمانه و سخت‌گیرانه مثبت و به گزینه‌های مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه منفی بود، در حالی که موضع چین و روسیه نسبتاً متعادل‌تر بود و سعی می‌کردند از هر دو طیف این مواضع در حد میانه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند، اما انتخابات ریاست جمهوری ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، تغییری اساسی در این مواضع ایجاد کرد. بر مبنای فرضیه مقاله، چنانچه این مواضع پس از انتخابات به گونه‌ای دستخوش تغییر شده باشند که احتمال توسل به گزینه‌های همکاری‌جویانه بیش از گزینه‌های سخت‌گیرانه شده باشد، روی کار آمدن دولت تدبیر و امید باعث تقویت زمینه‌های تعامل و افزایش احتمال حل و فصل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران شده است. حال بایستی با بررسی مواضع این کشورها دید چه تغییراتی در این زمینه رخ داده است.

همچنان‌که در بخش سوم نشان داده شد، پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران نه تنها دولتمردان آمریکا دیگر از اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران سخن به میان نیاوردند، بلکه آشکار و پنهان سعی کردند سیاستمداران اسرائیلی و برخی جنگ‌طلبان در داخل آمریکا را مجاب کنند که توسل به اقدام نظامی راه مناسبی برای حل موضوع هسته‌ای ایران نیست. البته، تهدید نظامی همچنان به عنوان یکی از گزینه‌ها برای آنها باقی ماند و به صراحت اعلام کردند در صورت شکست مذاکرات از آن استفاده خواهد شد. آمریکایی‌ها در مواضع خود چنان تغییر ایجاد کردند که حتی احتمال کاهش فشارها و تحریم‌ها را نیز مشروط به پذیرش خواسته‌های آنها از جانب ایران منتفی ندانستند. در نقطه مقابل، آنها از تعامل سازنده با ایران در صورت رفع نگرانی‌های بین‌المللی سخن گفتند و در خلال مذاکرات یا در مواضع رسمی و غیررسمی حتی از پذیرش حق ایران برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای سخن به میان آوردند و در عین مخالفت با غنی‌سازی ۲۰ درصدی، تلویحاً و مشروط به افزایش نظارت‌های بین‌المللی نشان دادند که با ادامه غنی‌سازی ۵ درصدی در ایران مخالفتی ندارند.

این تغییر موضع در بین کشورهای اروپایی آشکارتر بود. استقبال مسئول کمیسیون سیاست خارجی اتحادیه اروپا از تداوم مذاکرات با دولت جدید ایران و محتمل دانستن کاهش فشارها و تحریم‌ها، نه تنها فضای توسل به اقدام نظامی در مقابل ایران را تا حد زیادی از بین برد، بلکه

حتی احتمال تهدید به جنگ را نیز به شدت ضعیف کرد. تأکید مسئولین پیشین و کنونی کشورهای اروپایی بر ضرورت تعامل سازنده با ایران چنان فضای حاکم بر مذاکرات ایران با ۵+۱ را دگرگون کرد که در حال حاضر حتی سخن‌گفتن از برخورداری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای دیگر تابو و خط قرمز محسوب نمی‌شود و حتی برخی محافل علمی، سیاسی و رسانه‌ای در اروپا، پذیرش غنی‌سازی تا ۵ درصد در قبال انصراف ایران از غنی‌سازی ۲۰ درصدی را نیز پیشنهادی معقول و منطقی تلقی می‌کنند. در واقع، انتخابات ریاست جمهوری در ایران این بهانه را به اروپایی‌ها داد تا به جای تهدید و تحریم و فشار از تعامل سازنده با ایران سخن به میان آورند و گام‌هایی عملی هم در این مسیر بردارند.

موضع چین و روسیه در این میان بسیار قابل تأمل است. با وجود اینکه چرخش آشکاری در مواضع آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری ایجاد شد و قاعدتاً بایستی چین و روسیه بیش از آنها بر تعامل با ایران اصرار کنند، اما این دو کشور بسیار محتاطانه با موضوع برخورد کرده‌اند و در عین تأکید بر مخالفت کامل با اقدام و تهدید نظامی و ضرورت تعامل با ایران، بر حفظ فشار و تحریم تا اثبات پایبندی ایران به تعهدات بین‌المللی‌اش نیز تأکید کرده‌اند. با وجود این، مواضع روسیه و چین هم در مجموع نشانگر تأکید بیشتر بر ضرورت توسل به دیپلماسی به جای تهدید بوده است.

موضع سیاستمداران اسرائیلی نیز در این میان جالب توجه است. در عین حال که حتی در اسرائیل نیز پس از انتخابات رویکردهای مختلف در برخورد با ایران بروز یافت و موضع خصمانه دولتمردان با آشکارشدن مواضع برخی مراکز فکری و علمی به چالش طلبیده شد، اما موضع رسمی این کشور تغییر چندانی نسبت به قبل از انتخابات نداشت و حتی در برخی موارد با تخطئه تغییرات صورت‌گرفته در فضای داخلی ایران، سعی شد از تغییر مواضع دولتمردان آمریکایی و اروپایی نیز جلوگیری شود، تلاشی که البته چندان به نتیجه نرسید و نتوانست مانع از تغییر مواضع در قبال جمهوری اسلامی ایران شود.

سیاستمداران اسرائیلی با تأکید بر ضرورت توسل به اقدام نظامی و جانبداری از تهدید نظامی و با تلاش برای حفظ فشار و تحریم علیه ایران، نه تنها خود را منزوی کردند، بلکه طرفداران تعامل با ایران را نیز تقویت نمودند. تغییر مواضع کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای

ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری را بر اساس نمره +۳ تا -۳ در قالب هفت رویکرد مذکور را می‌توان چنین رتبه‌بندی کرد:

کشورها/موضوع	اقدام نظامی	تهدید نظامی	فشار و تحریم	پذیرش حق ایران	غنی‌سازی تا ۵٪	غنی‌سازی تا ۲۰٪	تعامل سازنده
آمریکا	-۳	-۲	-۲	۲	۲	-۳	۲
اسرائیل	۳	۳	۳	-۳	-۳	-۳	-۳
اتحادیه اروپا	-۳	-۲	-۲	۲	۲	-۳	۳
چین	-۳	-۳	۱	۳	۲	-۳	۳
روسیه	-۳	-۳	۱	۳	۲	-۳	۳

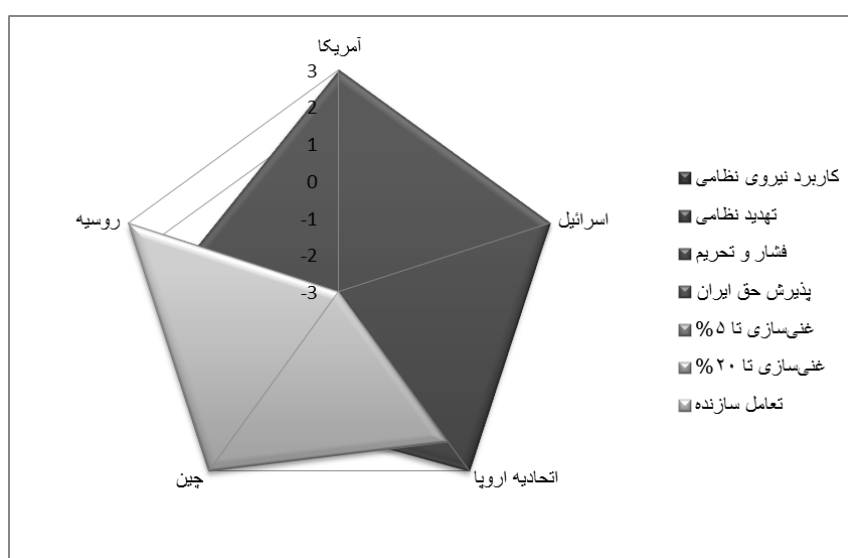
گرچه حتی مرور اجمالی بر این تغییر مواضع هم به خوبی نشان می‌دهد انتخابات ریاست جمهوری در ایران تا چه حد در تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران و به ضرر اسرائیل و طیف جنگ‌طلبان مؤثر بوده است، اما برای آنکه این تغییر بهتر درک شود، در ادامه با تحلیل شکاف میان کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری نشان خواهیم داد این انتخابات تا چه حد باعث تغییر موضع قدرت‌های بزرگ در برخورد با مسئله هسته‌ای ایران شده است.

۲. تحلیل شکاف بین کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران

تغییر موضع هر یک از کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران نکته‌ای قابل توجه است که با رتبه‌بندی این تغییر در قسمت قبل مشخص شد، اما تأثیر این تغییر بر آرایش مجموعه این کشورها در مقابل ایران نیز بسیار مهم است که بایستی با دقت بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. در واقع، تأثیر انتخابات بر نحوه برخورد کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران، هم با تمرکز بر رویکرد هر کشور و هم با نگاه به تغییر میزان واگرایی و هم‌گرایی میان مجموع این کشورها بایستی مورد توجه قرار گیرد تا شناخت بهتری از ابعاد موضوع ارائه شود.

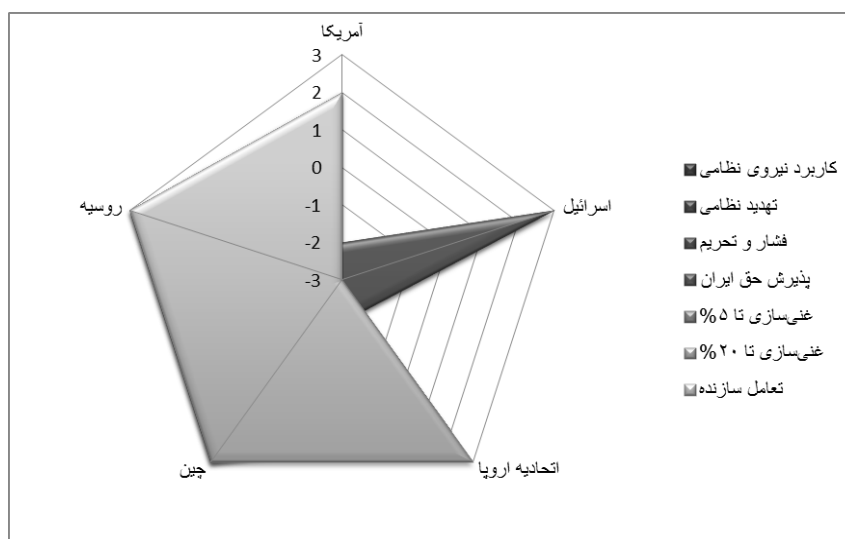
قبل از انتخابات ریاست جمهوری در ایران، مواضع آمریکا، اتحادیه اروپا و اسرائیل با اندکی تفاوت تقریباً یکسان بود و این کشورها ضمن تأکید آشکار بر اقدام و تهدید نظامی، آشکارا و پنهانی تمام تلاش خود را برای عملیاتی کردن فشار و تحریم علیه ایران نیز به کار

بستند. در مقابل، روسیه و چین در عین همراهی با کشورهای مذکور در اعمال فشار و تحریم، از اقدام و حتی تهدید نظامی طرفداری نمی‌کردند. در حقیقت، شکاف قابل توجه در بین این مجموعه فقط بر سر اقدام و تهدید نظامی بود و در عمل، با کمی شدت و ضعف، همه بر فشار و تحریم اتفاق نظر داشتند. شکل نموداری هم‌گرایی و واگرایی بین این مواضع را به صورت زیر می‌توان نشان داد:



در واقع در این وضعیت، آمریکا و اروپا کاملاً در مسیر مورد نظر اسرائیل حرکت می‌کردند و در مقابل روسیه و چین قرار داشتند، اما این وضعیت پس از انتخابات ریاست جمهوری دگرگون شد و با تغییر موضع آمریکا و اتحادیه اروپا در قبال ایران، از یک سو مواضع این کشورها با اسرائیل تفاوتی قابل توجه پیدا کرد و از سوی دیگر، تا حدی به مواضع روسیه و چین نزدیک شد. در واقع، انتخابات ریاست جمهوری و به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور عمل‌گرا در ایران، در عمل موازنه استراتژیک میان کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را نیز دگرگون کرد. به واسطه این دگرگونی است که امروز می‌بینیم دولتمردان اسرائیلی هرچه بیشتر بر طبل جنگ می‌کوبند، بیشتر در جامعه بین‌المللی منزوی می‌شوند و در مقابل، ایران که

به واسطه تغییر در فضای داخلی در نتیجه انتخابات موفق به ایجاد زمینه‌های تعامل با قدرت‌های بزرگ شده، به صورت روزافزون در حال احیای قدرت و عظمت منطقه‌ای و بین‌المللی خود است. شکاف بین کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران پس از انتخابات را در نمودار زیر به خوبی می‌توان نشان داد:



هرچند در زمان نگارش این مقاله هنوز مذاکرات ایران و +۱ در مورد موضوع هسته‌ای به نتیجه قطعی نرسیده و مذاکرات بین طرفین ادامه دارد، اما حتی اگر ماه‌های نخست پس از روی کار آمدن دولت جدید را نیز ملاک ارزیابی قرار دهیم، همچنان‌که از مقایسه این دو نمودار هم به روشنی می‌توان درک کرد، انتخابات ریاست جمهوری در ایران و سیاست هسته‌ای دولت تدبیر و امید باعث شده از یک سو تعامل سازنده جایگزین تهدید و تحریم و فشار شود و از سوی دیگر، اسرائیل به عنوان مخالف این تغییر به شدت منزوی گردد. در حال حاضر، موضع اتحادیه اروپا بسیار نزدیک به مواضع روسیه و چین است و گرچه هنوز در آمریکا بسیاری از سیاستمداران هستند که با دولتمردان تندرو اسرائیلی هم‌نواپی می‌کنند، اما در عمل دولت ایالات متحده نیز چرخش قابل توجهی به سوی تعامل با ایران نشان داده و به همان میزان از سیاست‌های افراطی صهیونیست‌ها فاصله گرفته است.

نتیجه‌گیری

یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران تغییر قابل توجهی در ترکیب دولت ایجاد کرد و با برتری بخشیدن به ائتلاف عمل‌گرایان-اصلاح‌طلبان در مقابل اصول‌گرایان، زمینه را برای تغییر در فضای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرد. در واقع، همچنان‌که طرفداران ایده «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است» نیز معتقدند، پذیرش هم‌گرایی میان تغییر در ترکیب دولت و تغییر فضای بین‌المللی هم امری بدیهی و بی‌چون و چراست، اما هدف این مقاله آن بود که جهت این تغییر را نیز مشخص کند. همچنان‌که در ابتدای مقاله اشاره شد، فرض نویسنده آن بود که با این انتخابات و به واسطه تغییر در ترکیب دولت، زمینه‌های تعامل با محیط بین‌المللی و امکان حل و فصل مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران نیز نسبت به گذشته افزایش یافته است. البته، همچنان‌که پیش از این نیز گفته شد، برای قضاوت دقیق و جامع در مورد سیاست هسته‌ای دولت تدبیر و امید حداقل باید چهار سال صبر کرد، اما بر اساس قرائن و شواهد موجود هم می‌توان دریافت که زمینه برای افزایش تعامل بر سر برنامه هسته‌ای ایران به صورت چشم‌گیری فراهم‌تر شده است.

بر اساس بررسی مقایسه‌ای مواضع کشورهای مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری از یک سو و با تحلیل تغییر شکاف میان این کشورها که بر مبنای یک مدل کمی و قابل‌سنجش انجام شد، این نکته به خوبی روشن شد که انتخابات ریاست جمهوری باعث تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران شده و در عین به انزوا کشاندن طرفداران سیاست تهدید، تحریم و فشار، باعث تقویت زمینه‌های تعامل با جمهوری اسلامی ایران شده است. البته، بدیهی است در ابتدای این راه نمی‌توان حکم به قطعی و یقینی بودن این تغییر داد، اما حداقل می‌توان گفت در صورت تداوم مواضع و شرایط موجود، چشم‌انداز برنامه هسته‌ای ایران مثبت و امکان تعامل قدرت‌های بزرگ با ایران بیش از گذشته است. تقویت امید به پیشرفت مذاکرات، باعث افزایش امید به حل دیپلماتیک مسئله هسته‌ای ایران شده و مواضع خصمانه به صورت روزافزون به مواضع دوستانه یا حداقل بی‌طرفانه تبدیل می‌شوند و در مجموع، می‌توان گفت بعد از انتخابات ریاست جمهوری و به ویژه پس از روی کار آمدن دولت جدید، شرایط به نفع جمهوری اسلامی ایران و در مسیر تقویت تعامل سازنده بین‌المللی است. هرچند شاید پیش‌بینی آینده چندان آسان نباشد، اما در صورت تداوم روند موجود می‌توان گفت توجهی برای تهدید و تحریم و فشار باقی نخواهد ماند و چنین تغییری جنگ‌طلبان را به حاشیه می‌راند و به طرفداران مذاکره و دیپلماسی تقدم می‌بخشد.

منابع

- آخرین نیوز (۱۳۹۲): "نگرانی دولت اوپاما از تصمیم کنگره آمریکا". قابل دسترس در:
<http://www.akharinnews.com/item/36079.html>.
- آفتاب نیوز (۱۳۹۲)، "بازتاب ثبت نام کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری در رسانه‌های خارجی". در:
<http://aftabnews.ir/fa/news/194211>.
- آمانو، یوکیو (۱۳۹۱)، "بدبینی مشترک آمانو و فیصل در پرونده هسته‌ای ایران". قابل دسترس در:
<http://www.irandiplomacy.ir/newsletter/1913605/html>.
- الهیات (۱۳۹۲)، "تلاویو نگران از توافق احتمالی واشنگتن با روحانی"، ترجمه علی موسوی خلخالی. در:
<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1920161.html>.
- النهار (۱۳۹۲)، "عدم خوش‌بینی به مذاکرات هسته‌ای"، ترجمه علی موسوی خلخالی. در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1920686.html>.
- امیدی، علی (۱۳۹۲)، "پایان نگاه امنیتی به مذاکرات هسته‌ای". قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1921026.html>.
- اوپاما، باراک (۱۳۹۲)، "ایران در کانون مذاکرات اوپاما و نتانیاهو". قابل دسترس در:
<http://www.fm.irvoanews.com/a/1624972.html>
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۲ الف)، "اوپاما در جمع دانشجویان اسرائیلی: هیچ سپر دفاعی وجود ندارد که رفع کننده همه تهدیدها باشد". در:
<http://www.irannuc.ir/en/node/2879>.
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۲ ب)، "۳ مقام آمریکایی در گفتگو با صدای آمریکا: ایالات متحده منتظر آغاز ناآرامی در ایران است". قابل دسترس در:
<http://www.irannuc.ir/fa/content/1344>.
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۲ ج)، "متن بیانیه ایران پس از مذاکرات آلمانی ۲". قابل دسترس در:
<http://www.irannuc.ir/fa/content/1360>.
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۲ د)، "متن کامل بیانیه‌ها و اظهارات ۱+۵ پس از مذاکرات آلمانی ۲". قابل دسترس در:
<http://www.irannuc.ir/fa/content/1366>.
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۲ هـ)، "۳ تحول مهم در پرونده هسته‌ای ایران در یک روز + اسناد". قابل دسترس در:

<http://www.irannuc.ir/fapage=1>.

باشگاه خبرنگاران (۱۳۹۱)، "پایان مذاکرات آلمانی؛ توافق برای ادامه مذاکرات در ۲۷ و ۲۸ اسفند در استانبول".

قابل دسترس در:

<http://www.yjc.ir/fa/news/4289506/html>

بهشتی‌پور، حسن (۱۳۹۲)، "لحن گزارش آمانو تغییر کرده است". قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1920685.html>.

جلیلی، سعید (۱۳۹۱)، "طرف‌های غربی سعی کردند به دیدگاه ما نزدیک شوند". قابل دسترس در:

<http://www.yjc.ir/fa/news/4289890/html>.

جلیلی، سعید (۱۳۹۲)، "نگاه از درون به مذاکرات آلمانی ۲". قابل دسترس در:

<http://www.irannuc.ir/fa/content/1355>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، "ما کاربرد سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی را حرام می‌دانیم". قابل دسترس در:

<http://www.aftabnews.ir/vdcipya3.t1ayp2bcct.html>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، "آمریکا خواهان به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته‌ای نیست". قابل دسترس در:

<http://www.irannuc.ir/en/node/2882>.

خبرگزاری مهر (۱۳۹۲)، "پیروزی غیرمنتظره روحانی در یازدهمین دوره از انتخابات ریاست جمهوری ایران".

قابل دسترس در:

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2077407>

دنیای اقتصاد (۱۳۹۲)، "ایران، آمریکا، روسیه و اروپا ارزیابی خود را از آلمانی ۲ اعلام کردند". در:

<http://www.donya-e-eqtesad.com/news/681684/>.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲ الف)، "چشم‌انداز مذاکرات هسته‌ای مبهم‌تر شد". قابل دسترس در:

<http://www.irandiplomacy.ir/newsletter/fa/page/1914607.html>.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲ ب)، "مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای ایران به میدان آمد". قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1914870.html>.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲ ج)، "دیپلماسی متأثر از شخصیت رئیس‌جمهور نیست". قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1916894.html>.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲ د)، "در مقابل ایران راه‌کندی را تکرار کن". قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1917248.html>.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲ هـ)، "تحریم‌های جدید علیه ایران تصویب شد". قابل دسترس در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1919319.html>.

راس، دنیس (۱۳۹۲)، "نه کنگره؛ تضمین شکست دیپلماسی در قبال ایران". ترجمه آزاده افتخاری. در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1921189.html>.

سامور، گری (۱۳۹۲)، "آمدن روحانی می‌تواند مسئله هسته‌ای را حل کند". قابل دسترس در:

<http://www.rohaninews.com/1621.html>.

- صدای آمریکا (۱۳۹۲)، "هدف‌گیری معاملات ایران با یورو". قابل دسترس در:
<http://www.m.irvoanews.com/content/us-iran.../1626494.html>.
- صالحی، علی‌اکبر (۱۳۹۱)، "واکنش غرب به سخنان صالحی؛ تحریم‌ها فعلاً لغو نمی‌شود". در:
<http://www.magiran.com/npview.as?ID=2693441>.
- عابدینی، وحید و جلیل روشندل (۱۳۹۲)، "تهران از پیونگ یانگ درس می‌گیرد" (گفتگو). در:
<http://www.irandiplomacy.ir/newsletter/fa/page/1914612/>.
- فیصل، سعود (۱۳۹۱)، "بدبینی مشترک آمانو و فیصل در پرونده هسته‌ای ایران". قابل دسترس در:
<http://www.irandiplomacy.ir/newsletter/1913605/html>.
- کری، جان (۱۳۹۱)، "در دیدار کری و سعود الفیصل چه گذشت؟". قابل دسترس در:
<http://www.irandiplomacy.ir/page/1913557.html>.
- نیکولو، فرانسوا (۱۳۹۲)، "گذشته روحانی اروپایی‌ها را امیدوار می‌کند". قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919115.html>.
- مجدد، هومان و سارا معصومی (۱۳۹۲)، "پرونده هسته‌ای ایران در چند روز قابل حل است". در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919900.html>.
- موسویان، سید حسین (۱۳۹۲)، "رئیس جمهور آینده ایران و استراتژی هسته‌ای از نوع سوم". در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1917251.html>.
- نتانیاهاو، بنیامین (۱۳۹۲)، "به روحانی اعتماد نکنید آقایان!" ترجمه مهناز امین فروغی. قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919983.html>.
- لوئرز، ویلیام و دیگران (۱۳۹۲)، "رویکرد جدید مقابل ایران"، ترجمه فرنگیس بیات. قابل دسترس در:
http://www.sharghdaily.ir/Default.aspx?NPN_Id=167&pageno=3.

- Abdo, Geneive (2004), "Iran's Internal Struggles", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson, *Checking Iran's Nuclear Ambitions*, Carlisle: U.S. Army War College, Strategic Studies Institute (SSI), pp. 39-60.
- Ashton, Catherine (2013), "Statement by EU High Representative Catherine Ashton Following the E3+3 Talks with Iran, Almaty, 27 February 2013". Available at: http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_Data/docs/pressdata/EN/foraff/135714.pdf.
- Asteraky, Pooria (2013), "Unpredictable win for Rouhani, or was it?". Available at: <http://iranopinion.com/node/54>.
- Balouji, Heidar Ali (2005), "The Process of National Security Decision Making in Iran", in: Kile, Shannon N. (ed), *Europe and Iran; Perspectives on Non-proliferation*, SIPRI Research Report No. 21, Oxford: Oxford University Press, PP. 72-96.
- Brzezinski, Zbigniew and Robert M. Gates (2004), *Iran: Time for a New Approach*, New York: Council on Foreign Relations.
- Catherine, Ashton (2013), "European Union calls for resumption of P5+1-Iran talks". Available at: <http://www.presstv.com/detail/230336.html>.

- Chubin, Shahram (2008), "Understanding Iran's Nuclear Ambitions", in: Cronin Patrick (ed), *Double Trouble: Iran and North Korea as Challenges to International Security*, Westport: Praeger Security International, pp. 47-62.
- Cordesman, Anthony H. and Martin Kleiber (2007), *Iran's Military Forces and War Fighting Capabilities: the Threat in the Northern Gulf*, Center for Strategic and International Studies, Westport: Praeger Security International.
- Delpech, Therese (2007), *Iran and the Bomb: the Abdication of International Responsibility*, Translated from the French by Ros Schwartz, New York: Columbia University Press.
- Ehteshami, Anoushiravan and Mahjoob Zweiri (2007), *Iran and the Rise of its Neoconservatives; the Politics of Tehran's Silent Revolution*, London and New York: I.B.Tauris.
- Eldar, Shlomi (2013), "Post-Ahmadinejad Iran: A New Challenge to the West". Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2013/04/post-ahmadinejad-iran-a-new-challenge-to-the-west.html>.
- Entessar, Nader (2009), "Iran's Nuclear Decision-making Calculus", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XVI, No. 2, Summer, pp. 26-38.
- Farhamy, Lisa M. (2008), "Nuclear Ready Iran", in: *Nuclear Scholars Initiative*, Washington DC: Center for Strategic and International Studies, pp.37-52.
- Financial Times (2013), "Time for US-Iran Direct Negotiations". Available at: <http://blog.timesunion.com/wagingpeace/time-for-us-iran-direct-negotiations/4052/>.
- Fischer, Joschka (2013), "A Glimmer of Hope in Iran". Available at: <http://www.project-syndicate.org/commentary/a-new-middle-east-dynamic-after-iran-s-presidential-election-by-joschka-fischer>.
- Foreign Policy (2013), "Iran's Opportunity for Negotiations". Available at: <http://mideastafrika.foreignpolicy.com/posts/2013/09/23/irans-opportunity-for-negotiations>.
- Goldberg, Jeffrey (2013), "New Report Finds an Israeli Attack on Iran to be a Comprehensively Bad Idea". Available at: <http://www.theatlantic.com/international/archive/2012/06/new-report-finds-an-israeli-attack-on-iran-to-be-a-comprehensively-badidea/258162/>.
- Guardian (2013), "Take advantage of the new era in Iranian foreign policy". Available at: <http://www.theguardian.com/world/julian-borger-global-security-blog/2013/oct/01/iran-nuclear-deal-rouhani-enrichment>.
- Haaretz (2013), "Israel and US generals draw up theoretical scenario for attack on Iran". Available at: www.haaretz.com/.../israel-and-u-s-generals-draw-up-theoreticalscenario-for-attack-on-iran.html.
- Hagerty, Davin T. (2009), "The Implications of A Nuclear-armed Iran in Light of South Asia's Nuclear Experience", in: Ganguly, Sumit and S. Paul Kapur (eds), *Nuclear Proliferation in South Asia: Crisis Behaviour and the Bomb*, New York: Routledge, pp. 212-242.

- Halliday, Fred (2001), "Iran and the Middle East: Foreign Policy and Domestic Change", *Middle East Report*, No. 220, pp. 42-47.
- IAEA (2007), "Implementation of the NPT Safeguards Agreement and Relevant Provisions of Security Council Resolutions 1737 (2006) and 1747 (2007) in the Islamic Republic of Iran: Reported by the Director General on November 15, 2007", GOV/2007/58. Available at: http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2007_gov2007-58.pdf.
- IAEA (2008), "Implementation of the NPT Safeguards Agreement and Relevant Provisions of Security Council Resolutions 1737 (2006) and 1747 (2007) in the Islamic Republic of Iran: Reported by the Director General on February 22, 2008", GOV/2008/4. Available at: http://www.iaea.org/Publications/Documents/Board/2008_gov2008-4.pdf.
- Javier Solana, Javier (2013), "The Iranian Message". Available at: <http://www.project-syndicate.org/commentary/hassan-rowhani-and-iran-s-new-diplomatic-opportunities-by-javier-solana>.
- Kamrava, Mehran (2007), "Iranian National-Security Debates: Factionalism and Lost Opportunities", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XIV, No. 2, Summer, pp. 84-100.
- Khamenei, Seyed Ali (2006), "Iran's Ayatollah Affirms Peaceful Nuclear Plans", *The New York Times*, January, 19.
- Laipson, Ellen (2004), "Syria: Can the Myth Be Maintained without Nukes?", Campbell, Kurt M. et.al (eds), *The Nuclear Tipping Point; Why States Reconsider Their Nuclear Choices*, Washington D. C.: Brookings Institution Press, pp.83-110.
- Lippman, Thomas W. (2004), "Saudi Arabia: The Calculations of Uncertainty", Campbell, Kurt M. et.al (eds), *The Nuclear Tipping Point; Why States Reconsider Their Nuclear Choices*, Washington D. C.: Brookings Institution Press, pp.111-144.
- Lotfian, Saideh (2008), "Nuclear Policy and International Relations", in: Katouzian, Homa and Hossein Shahidi (eds), *Iran in the 21st Century: Politics, Economics and Confrontation*, New York: Routledge, pp. 158-180.
- Maloney, Suzanne (2013), "Iran Surprise Itself and the World". Available at: <http://www.brookings.edu/research/essays/2013/iran-surprises-itself-and-the-world-a>.
- Moshirzadeh, Homeira (2007), "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 38(4): 521-543.
- Nasr, Vali (2013), "Why Iran May Be Ready to Deal". Available at: <http://www.nytimes.com/2013/03/18/opinion/why-iran-may-be-ready-to-deal.html>.
- Ochmanek, David (2007), "Iran, the United States and Nuclear Weapons: An Examination of Key Policy Issues", in: Dobbins, James et.al (eds), *Coping with Iran; Confrontation, Containment, or Engagement? A Conference Report*, Washington D.C.: RAND Corporation, pp. 13-30.
- Perkovich, George and Silvia Manzanero (2005), "Iran Gets the Bomb; Then What?", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 177-205.

- Pollack, Kenneth (2007), "Five Key Points", in: Dobbins, James et.al (eds), *Coping with Iran; Confrontation, Containment, or Engagement? A Conference Report*, Washington D.C.: RAND Corporation, pp. 30-32.
- Press TV (2013), "Russia, China support Iran nuclear deal". Available at: <http://www.presstv.com/detail/2013/11/10/334037/russia-china-back-iran-nuclear-deal/>.
- Psaki, Jennifer (2013), "Iran, U.S. waiting for other side to make nuclear compromise". Available at: <http://www.reuters.com/article/2013/08/07/us-iran-nuclear-usaidUSBRE9760S W20130807>.
- Purzycki, Michael (2013), "War With Iran: Full Diplomatic Relations Are the Best Option For the U.S. and Iran". Available at: <http://www.policymic.com/articles/45447/war-with-iran-full-diplomatic-relations-are-the-best-option-for-the-u-s-and-iran>.
- Ross, Dennis (2013), "Sanctions Played an Important Role in Rouhani's Election", <http://www.iranwire.com/en/projects/1388>.
- Rozen, Laura (2013), "New report outlines containment strategy if efforts to prevent Iran nuclear weapon fail". Available at: <http://backchannel.al-monitor.com/index.php/2013/05/5222/plan-b-new-report-outlines-containment-strategy-if-efforts-to-prevent-iran-nuclear-weapon-fail/>.
- Russell, Richard L. (2005), "Arab Security Responses to a Nuclear-Ready Iran", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 23-46.
- Sagan, Scott, et.al (2007), "A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster?", *Journal of International Affairs*, 60(2): 135-150.
- Scowcroft, Brent and Zebigniew Brzezinski (2013), "Former NatSec Advisers Brzezinski, Scowcroft back Obama's Iran Diplomacy". Available at: <http://www.lobelog.com/former-natsec-advisors-brzezinski-scowcroft-back-obamas-iran-diplomacy/>.
- Security Council (2013), "Iran Silent on Queries about Missile Launches, Intercepted Arms Shipment, Sanctions; Committee Chair Tells Security Council". Available at: <http://www.un.org/News/Press/docs/2013/sc11110.doc.htm>.
- Sokolski, Henry (2005), "Getting Ready for a Nuclear-Ready Iran: Report of the NPEC Working Group", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 1-19.
- Straw, Jack (2013), "West can 'do Business' with Rouhani". Available at: <http://amanpour.blogs.cnn.com/2013/10/16/west-can-do-business-with-rouhani-former-counterpart-jack-straw-tells-amanpour/>.
- Takeyh, Ray (2003), "Iran's Nuclear Calculations", *World Policy Journal*, 20(2): 21-28.
- Takeyh, Ray (2006a), "Iran at the Strategic Crossroads", in: Russell, James A (ed), *Proliferation of Weapons of Mass Destruction in the Middle East: Directions and Policy Options*, New York: Palgrave Macmillan, pp. 51-62.
- Takeyh, Ray (2013), "Seal the Deal With Iran". Available at: <http://www.nytimes.com/2013/03/09/opinion/global/seal-the-deal-with-iran.html?r=0>.

- Walt, Stephen (2013), "Iran Is the Real Prize of the Obama's Foreign Policy". Available at: <http://www.foreignpolicy.com/posts/2013/09/16/iran-is-the-real-prize-for-obamas-foreign-policy>.
- Wehrey, Frederic et.al (2009), *Dangerous but not Omnipotent: Exploring the Reach and Limitations of Iranian Power in the Middle East*, Washington D.C.: RAND Corporation.
- Weiss, Leonard (2009), "Israel's Future and Iran's Nuclear Program", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XVI, No. 3, Fall, pp. 79-88.
- Zakaria, Fareed (2013a), "No Deal? Don't Just Blame Tehran". Available at: <http://fareedzakaria.com/2013/11/15/no-deal-dont-just-blame-tehran/>.
- Zakaria, Fareed (2013b), "Not the Time for Big Stick". Available at: <http://fareedzakaria.com/2013/09/19/not-the-time-for-big-sticks/>.